

فروتنی فکری در دانشجویان تحصیلات تکمیلی: مطالعه کیفی با روش نظریه داده‌بنیاد Intellectual Humility in Higher Education Students: A Qualitative Research Using Grounded Theory

Zahra davarpanah, PhD Student

Mahbube Fooladchang, PhD

Bahram Jowkar PhD

Raziye sheikholeslami, PhD

زهرا داورپناه^۱

محبوبه فولادچنگ^۲

بهرام جوکار^۱

راضیه شیخ‌الاسلامی^۱

Abstract

Intellectual humility (IH), as a multidimensional psychological construct, involves recognizing the limitations of one's knowledge, avoiding bias, and being open to revising beliefs in light of new evidence. This qualitative study, using grounded theory, aimed to develop a model of the formation process, barriers, and facilitators of IH among graduate students. Data were collected through 34 semi-structured interviews with masters and doctoral students in educational psychology at Shiraz University and analyzed via Strauss and Corbin's approach. Findings revealed that IH encompasses three core dimensions: open-mindedness, commitment to lifelong learning, and balanced belief systems. Key barriers included intellectual rigidity, fear of change, social pressures, and academic constraints, while facilitators such as self-awareness, environmental support, and positive experiences were identified. The proposed model highlights IH as a dynamic process reinforced through critical reflection and metacognition, leading to outcomes like enhanced learning, identity transformation, and improved academic collaboration. The study underscores the role of educational environments in fostering IH to address cognitive and social challenges. By integrating a three-dimensional framework and categorizing individuals into eight IH profiles, this research offers novel insights into cultivating intellectual humility as a bridge between individual growth and collective knowledge advancement.

Keywords: Intellectual Humility; Open-Mindedness; Lifelong Learning; Grounded Theory; Higher Educational Students

چکیده

فروتنی فکری به‌عنوان سازه روان‌شناختی چندبعدی، شامل پذیرش محدودیت‌های دانش خود، پرهیز از تعصب و آمادگی برای بازبینی باورها در پرتو شواهد جدید است. این پژوهش کیفی با هدف تدوین مدلی برای فرایند شکل‌گیری، موانع و تسهیل‌گرهای فروتنی فکری در دانشجویان تحصیلات تکمیلی، از روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد. داده‌ها از طریق ۳۴ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز جمع‌آوری و با الگوی تحلیل اشتراوس و کوربین بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد فروتنی فکری در سه بعد اصلی «گشودگی فکری»، «تعهد به یادگیری مستمر» و «تعادل در باورها» قابل مفهوم‌پردازی است. موانع اصلی شامل تعصب، ترس از تغییر، فشارهای اجتماعی و محدودیت آزادی آکادمیک بودند؛ در حالی که تسهیل‌گرهایی نظیر خودآگاهی، حمایت محیطی و تجارب مثبت شناسایی شدند. مدل ارائه‌شده نشان می‌دهد فروتنی فکری یک فرایند پویا است که از طریق پردازش انتقادی و تفکر تأملی تقویت می‌شود و پیامدهایی مانند توسعه یادگیری، تحول هویتی و تقویت روابط علمی دارد. این پژوهش بر ضرورت پرورش فروتنی فکری در محیط‌های آموزشی به‌عنوان عاملی کلیدی در مواجهه مثبت با چالش‌های فکری و اجتماعی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: فروتنی فکری، گشودگی ذهنی، تعهد به یادگیری، تحمل ابهام، نظریه داده‌بنیاد، دانشجویان تحصیلات تکمیلی

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۳/۱۸

۱. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

● مقدمه

همه افراد ممکن است اشتباه کنند؛ اما افراد در میزان تمایل به پذیرش محدود بودن دانش‌شان با هم تفاوت دارند. از نظر تکاملی، اعتبار بیش از حد دادن به باورهای خویش تمایلی طبیعی فرض می‌شود (گرگ و ماهادوان، ۲۰۱۴؛ تانگنی، ۲۰۰۰). این پدیده را می‌توان در یک پیوستار در نظر گرفت که یک سوی افراطی آن تکبر فکری (intellectual arrogance) و در سوی دیگر آن تفریط و رها نمودن باورها و ایده‌های خود بدون استدلال قرار دارد؛ حد وسط و مطلوب آن که «شناخت و پذیرش محدودیت دانش‌خود» در نظر گرفته می‌شود، به‌عنوان فروتنی فکری (intellectual humility) مفهوم‌سازی شده است (بارت، ۲۰۱۷).

فروتنی فکری شامل تشخیص این است که در دانش فرد شکاف‌هایی وجود دارد و ممکن است باورهای کنونی او نادرست باشد (جرویس، ۲۰۱۷؛ ویتکامب و همکاران، ۲۰۱۷؛ فینکل و همکاران، ۲۰۲۰). فروتنی فکری افراد را به تأمل درباره امکان خطا و تمایل به تغییر باور در پرتو شواهد جدید سوق می‌دهد (دوریس و همکاران، ۲۰۲۵). در ادبیات تجربی، شاهد تلاش‌های مداومی برای درک فروتنی فکری به روش‌های تجربی هستیم (گان و همکاران، ۲۰۱۷) اما باید دانست که مطالعه تجربی فروتنی فکری هنوز جوان و نیازمند مطالعات بیشتری است (پورتر، ۲۰۲۵). بازنگری دیدگاه‌های خود، نبود اعتماد بیش‌ازحد نسبت به دانش خود، احترام به دیدگاه‌های دیگران (کرومری مانکوس و روز، ۲۰۱۶) و تشخیص این‌که یک باور شخصی خاص ممکن است خطاپذیر باشد (لیری و همکاران، ۲۰۱۷)، مواردی هستند که در تعاریف فروتنی فکری مطرح شده است. برخی دیگر از محققان، فروتنی فکری را پدیده‌ای چندبعدی می‌بینند که شامل ترکیبی از فراشناخت، ارزش‌گذاری به باورهای دیگران، اعتراف به نادانی یا خطاهای خود و انگیزه و میل درونی برای جستجوی حقیقت است (پریست، ۲۰۱۷). آنچه مسلم است این است که در ادبیات تجربی، تعریف روان‌شناختی واحد و پذیرفته‌شده‌ای از فروتنی فکری وجود ندارد و کوشش برای تعریف دقیق این سازه ضروری است.

فروتنی فکری با مزایای معرفتی و اجتماعی متعددی همراه است (کرومری مانکوس و همکاران، ۲۰۲۵) و به‌نظر می‌رسد ویژگی بسیار پسندیده‌ای باشد که می‌تواند به سیاست‌مداران، روزنامه‌نگاران، رهبران مذهبی، معلمان و دانشمندان، مدیران، والدین، همسران و حتی دوستان در مواجهه با مشکلات جاری زندگی اجتماعی کمک کند (ورثینگتون و همکاران، ۲۰۱۶؛ پورتر، ۲۰۲۴). فواید برخوردار بودن از این ویژگی در دانشگاه‌ها نیز چشمگیر و حائز اهمیت است. دانشگاه‌ها، سعی دارند آموزش‌های خود را مطابق با نیازهای دانشجویان و جامعه ارائه دهند (صدری و همکاران، ۱۴۰۲). دانشگاه جایی است که در آن دانشمند نمونه کسی است که از رسیدن به آگاهی لذت می‌برد و رشد فردی خود را به‌عنوان کندوکاو در آنچه دانش آن را به چالش می‌کشد درک می‌کند و سعی در بازنگری مسائل دارد (بک و کوتیک، ۲۰۲۲)؛ همچنین فروتنی فکری با انواع ویژگی‌های مرتبط با کسب دانش، از جمله تفکر بازتابی، نیاز به شناخت، درگیری فکری، کنجکاوی، باز بودن فکری و تفکر باز (کرومری مانکوس و همکاران، ۲۰۲۰) و حقیقت‌جویی (فیشر و همکاران، ۲۰۲۵) مرتبط است. آنهایی که از تواضع فکری بالاتری برخوردارند، می‌خواهند آگاه و دقیق باشند. آنها محدودیت‌های دانش خود را بررسی می‌کنند (دفلر و همکاران، ۲۰۱۶)، با دیدگاه‌های مخالف بیشتر تعامل برقرار می‌کنند (پورتر و شامن، ۲۰۲۰) و بیشتر به دنبال دستیابی به حقیقت هستند تا تبلیغ خود یا محافظت از نظریه‌ها و باورهای‌شان (بارت، ۲۰۱۷). پژوهش‌های پیشین از پیوند میان فروتنی فکری و شاخص‌های یادگیری پشتیبانی می‌کند (آلفانو و همکاران، ۲۰۱۷؛ دفلر و همکاران، ۲۰۱۶). میل به درگیر شدن در مسائل پیچیده، تمایل درونی به جست‌وجو و لذت از فعالیت‌های شناختی از دیگر ویژگی‌های افراد فروتن فکری است (کرومری مانکوس و همکاران، ۲۰۲۰). افراد فروتن فکری احتمال بیشتری داشته است که اطلاعات مشکوک را بررسی کنند (کوتکه و همکاران، ۲۰۲۱؛ پورتر و شومان، ۲۰۱۸) و با برخوردار بودن از انعطاف شناختی سبک تفکری را پرورش می‌دهند که به آنها امکان استدلال، خلق ایده و راه‌حل جدید و تولید محصولات فکری جدید را می‌دهد (رفیعی و بنی‌طالبی، ۱۴۰۳). برخوردار بودن از این ویژگی‌ها برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی به‌نظر ضروری می‌رسد؛ اما دانشجویان به دلایل مختلفی مانند در اقلیت بودن کسانی که شبیه آنها می‌اندیشند، محدودیت آزادی آکادمیک، مراقبت از موقعیت اجتماعی و فشار روانی ناشی از عواقب منفی، دیدگاه‌های خود را سانسور می‌کنند و این مانعی است برای فروتنی فکری و به چالش کشیدن باورها و دیدگاه‌های تثبیت‌شده (گادفری، ۲۰۲۳).

با وجود اهمیت بالای این سازه در رشد دانشجویان و علی‌رغم اینکه موفقیت دانشجویان در آموزش عالی یکی از نگرانی‌های دانشگاه‌ها در سراسر جهان است (ماشالهی و فولادچنگ، ۱۴۰۳)، تحقیقات اندکی در این زمینه انجام شده و درک کامل و دقیقی از فرایند شکل‌گیری، موانع و تسهیل‌کننده‌های فروتنی فکری در دانشجویان تحصیلات تکمیلی به‌ویژه در بافت دانشجویان ایرانی وجود ندارد.

هدف از انجام این پژوهش فهم سازه فروتنی فکری، فرایند شکل‌گیری آن، موانع و تسهیل‌گرها و پیامدها و تدوین الگویی برای آن با بررسی تجربه زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی بخش روان‌شناسی تربیتی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شیراز بود.

• روش

جهت انجام پژوهش درباره فروتنی فکری که مفهومی پیچیده و چندبعدی است، با توجه به ماهیت اکتشافی بودن پژوهش و تمرکز ما بر فرایند فروتنی فکری و تلاش برای مفهوم‌پردازی و نه آزمایش یک تئوری موجود و نیز تمرکز بر کشف پیش‌بینی‌کننده‌ها، تسهیلگرها و موانع در بافت مورد مطالعه، از روش نظریه داده‌بنیاد (grounded theory) استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش دانشجویان بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز در مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری بودند. این دانشجویان معمولاً با مفاهیم روان‌شناختی، شناختی و تربیتی آشنا هستند که به درک عمیق‌تر و تحلیل بهتر فروتنی فکری کمک می‌کند. آنها عموماً تجربه‌های مرتبط با به چالش کشیده‌شدن باورها را داشته‌اند که می‌تواند به غنای داده‌های کیفی کمک کند. از نظر سنی، جنسیتی، فرهنگی، عقیدتی و تجربیات زندگی متنوع هستند که به ارائه دیدگاه‌های مختلف کمک کرد؛ اگرچه نتایج این پژوهش ممکن است به‌طور مستقیم به سایر گروه‌ها تعمیم‌پذیر نباشد، اما می‌تواند بینش‌های ارزشمندی در مورد فروتنی فکری در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی ارائه دهد که می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آینده باشد. انتخاب مشارکت‌کنندگان از میان این جامعه آماری به‌صورت داوطلبانه بود. توضیحاتی پیرامون پژوهش از طریق فضای مجازی به دانشجویان تحصیلات تکمیلی که ۹۰ نفر بودند ارسال شد و داوطلبین جهت شرکت در مصاحبه اعلام آمادگی نمودند. تعداد ۳۹ مصاحبه به‌صورت کامل انجام شد که با توجه به معیارهای ازپیش تعیین‌شده (مانند غنای اطلاعات و ارتباط مستقیم پاسخ‌ها با موضوع پژوهش) ۵ مصاحبه از فرایند تحلیل نهایی حذف شدند و ۳۴ مصاحبه به‌صورت عمیق و دقیق مورد تحلیل قرار گرفتند. این تعداد به‌دلیل رسیدن به اشباع نظری و نبود ظهور کدهای باز جدید تعیین شد.

از این تعداد ۲۱ نفر زن و ۱۳ نفر مرد، ۱۱ نفر دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، ۱۵ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی و ۸ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی شناختی بودند. روایی در پژوهش کیفی به معنای اعتبار، دقت و معناداری یافته‌ها است. در نظریه داده‌بنیاد، روایی از طریق فرآیندهای تحلیل دقیق و مشارکتی تضمین می‌شود و معیارهای اعتبار درونی (credibility)، انتقال‌پذیری (transferability)، تأییدپذیری (confirmability) و وابستگی (dependability) مورد بررسی قرار می‌گیرد (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان (member checking) یکی از قوی‌ترین روش‌ها برای افزایش اعتبار درونی است (شتتون، ۲۰۰۴). کدهای باز استخراج‌شده از هر مصاحبه برای مشارکت‌کننده ارسال و اصلاحات لازم تا رسیدن به تأیید هر مشارکت‌کننده ادامه یافت. با استفاده از توصیف غنی (thick description) ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان، فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و بافت پژوهش خوانندگان این پژوهش می‌توانند در مورد امکان انتقال داده‌ها به موقعیت‌های دیگر قضاوت نمایند. جهت تأییدپذیری از روش بازبینی توسط همتا (peer debriefing) و نظارت هریک از پژوهشگران بر کدها و فرآیند تحلیل استفاده شد؛ همچنین شرح گام‌به‌گام فرآیند تحقیق به دیگران اجازه می‌دهد فرآیند پژوهش را بازسازی کنند.

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (semi structured interview) استفاده شد که پرکاربردترین ابزار جمع‌آوری داده در پژوهش‌های نظریه داده‌بنیاد است (گرین و تروگود، ۲۰۱۴). این نوع مصاحبه به‌دلیل انعطاف‌پذیری، مناسب پژوهش‌های کیفی است (بردلی و همکاران، ۲۰۰۷)؛ به‌ویژه برای زمانی که در یک پژوهش نظریه داده‌بنیاد محقق برخی از حوزه‌ها را شناسایی نموده و مصاحبه به فهم دقیق‌تر و مفهوم‌سازی کامل‌تر و گسترش آن حوزه می‌پردازد (کانلون و همکاران، ۲۰۱۵)؛ پژوهش‌ها حوزه‌ها و حدودی از فروتنی فکری را بر ما آشکار ساخته است. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته معمولاً حول مجموعه منظمی از موضوعات گسترده (معمولاً سه تا پنج مورد) که مفاهیم کلیدی شناسایی‌شده از قبل براساس پیشینه یا مطالعه آزمایشی هستند، سازمان‌دهی می‌شوند (نات و همکاران،

۲۰۲۲). در این پژوهش موضوعات نگرش در مورد امکان خطا در ایده‌ها و عقاید، نحوه مواجهه با اندیشه‌های متفاوت و موقعیت‌هایی که باور شخص به چالش کشیده می‌شود، تصویر ذهنی دانشجو از اوصاف فرد دارای تواضع فکری و موانع و تسهیل‌گرهای آن در مصاحبه گنجانده شد. مصاحبه‌ها به صورت فردی و مجازی انجام شد.

در این پژوهش، تصمیم به استفاده از مصاحبه‌های مجازی بر این اساس بود که مطالعات نشان داده‌اند که این روش می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای جمع‌آوری داده‌های غنی در روان‌شناسی و علوم اجتماعی، مورد استفاده قرار گیرد (هانا، ۲۰۱۲)؛ علاوه بر این، این تصمیم با توجه به ملاحظات بازتاب‌پذیری (reflexivity) اتخاذ گردید؛ به‌عنوان پژوهشگر، آگاه بودیم که حضور فیزیکی و ظاهر ممکن است به‌طور ناخواسته بر پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان تأثیر بگذارد و باعث شود آنها احساس معذب بودن کنند یا اطلاعات دقیق و صادقانه‌ای ارائه ندهند. محیط مجازی این امکان را فراهم کرد تا مشارکت‌کنندگان با احساس راحتی بیشتر، دیدگاه‌ها و تجربیات خود را به‌طور صریح‌تر بیان کنند که برای افزایش اعتبار داده‌ها و کاهش سوگیری‌های احتمالی مفید بود.

• یافته‌ها

در این پژوهش از روش‌ها و راهکارهای جمع‌آوری و تحلیل مستمر و هم‌زمان داده‌ها مبتنی بر الگوی تجزیه و تحلیل اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) برای توصیف، تجزیه و تحلیل استفاده شد.

متن مصاحبه‌ها به قطعات کوچک‌تر تقسیم و به هریک کدهای مفهومی اختصاص داده شد؛ در این مرحله حدود ۵۰۰ مفهوم (کد باز) به دست آمد. با مقایسه کدهای باز و کشف روابط آنها ۴۱ کد محوری استخراج شد؛ سپس با بررسی کدهای محوری، مقایسه و کشف روابط میان آنها، ۸ کد انتخابی حول مقوله اصلی فروتنی فکری استخراج شد. نمونه‌ای از شکل‌گیری کدها در جدول ۱ و کلیه کدهای انتخابی و کدهای محوری مربوط به هریک در جدول ۲ آمده است.

در فرایند تحلیل، پس از اینکه مفاهیم و مقوله‌های اصلی شناسایی شدند و ارتباط بین آنها بررسی گردید، درنهایت، مدلی نظری ارائه شد که نشان‌دهنده فرایند شکل‌گیری و تحول فروتنی فکری در افراد است. این نظریه نه تنها به درک بهتر این مفهوم کمک می‌کند، بلکه راهکارهایی برای تقویت فروتنی فکری در محیط‌های آموزشی و اجتماعی ارائه می‌دهد:

فروتنی فکری به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی، مجموعه‌ای از ویژگی‌های شناختی و رفتاری را دربرمی‌گیرد که فرد را قادر می‌سازد تا با دیدگاهی باز و منعطف به جهان بنگرد، از تعصب و خودبرتربینی پرهیز کند و همواره آماده یادگیری و بازنگری در باورهای خود باشد. فروتنی فکری با بازبودن ذهنی و پذیرش فعال ایده‌ها، نظرات و تجربیات دیگران آغاز می‌شود. این ویژگی مستلزم کنارگذاشتن حس برتری فکری و احترام به تنوع دیدگاه‌ها است. این انعطاف‌پذیری فکری، فرد را از دگماتیسم (جمود فکری) دور می‌کند. فروتنی فکری فرایندی پویا است، نه یک وضعیت ثابت. این ویژگی مستلزم آمادگی فرد برای بازبینی و تغییر باورهای خود در پرتو شواهد جدید است. بدون این آمادگی، سایر ویژگی‌های فروتنی فکری بی‌اثر می‌مانند. این مفهوم، فروتنی فکری را از یک مفهوم صرفاً نظری به یک مفهوم منجر به عمل تبدیل می‌کند. فروتنی فکری مستلزم بررسی منصفانه دیدگاه‌ها است. تعصب، دیواری بین فرد و حقیقت می‌سازد و فروتنی بدون پرهیز از تعصب، غیرممکن است.

جدول ۱. نمونه‌ای از شکل‌گیری کدها

متن مصاحبه	کد باز	کد محوری	کد انتخابی
این خلاف فروتنی فکری هست که ما در همون مرحله اول بگیریم که نه چیزی که من می‌گم درسته تحت هر شرایطی (مشارکت‌کننده ۳۳)	نبود پذیرش عقاید مخالف		
افرادی که تعصب دارند، معمولاً وارد بحث‌های منطقی نمی‌شوند (مشارکت‌کننده ۱)	نبود تمایل افراد متعصب به گفتگوهای منطقی	تعصب و پافشاری بر باورها	موانع فروتنی فکری
به نظر من اصلی‌ترین موانعی که بر سر مطرح کردن باورها و تفکر خودمون وجود داره خصوصاً در محیط دانشگاهی دو تا چیزه اولیش ترس از قضاوت شدن ... دومین مورد هم تبعات حالا اجتماعی و انضباطی (مشارکت‌کننده ۲۴)	موانع اصلی طرح باورها ترس از قضاوت و تبعات انضباطی	فشارهای اجتماعی و محیطی	

جدول ۲. کدهای محوری و کدهای انتخابی

کد انتخابی	کد محوری
مفهوم فروتنی فکری	بازبودن، گشودگی ذهنی و انعطاف‌پذیری فکری آمادگی بازبینی، تغییر و اصلاح باورها پرهیز از تعصب و تحمیل باورها و خودبرتربینی توجه به فرایند یادگیری مستمر توانایی تحمل ابهام و نبود قطعیت پذیرش محدودیت‌های دانش خود و احتمال خطا پرهیز از افراط و تفریط در پایبندی به باورها و رها کردن بی دلیل آن‌ها
تسهیل‌گرهای فروتنی فکری	یادگیری مستمر و تمایل به رشد حمایت محیطی و اجتماعی خودآگاهی تجارب مثبت و الهام‌بخش آزادی آکادمیک خودانتقادی اعتماد ارتباطی
موانع فروتنی فکری	تعصب و پافشاری بر باورها ترس از تغییر و نبود تحمل ابهام فشارهای اجتماعی و محیطی خودبرتربینی هزینه‌های روانی و هویتی تغییر باور ترس از دست‌دادن روابط محدودیت آزادی آکادمیک نبود کنترل هیجانات و برخورد هیجانی حساسیت موضوعی
پیامدهای فروتنی فکری	تقویت روابط اجتماعی، همدلی و تعاملات علمی توسعه یادگیری تحولات هویتی و شخصیتی درونی‌سازی فروتنی فکری و تأثیر بر رفتارهای بعدی بازسازی باورها
موقعیت‌های آشکارسازی فروتنی فکری	مواجهه با چالش‌های فکری و تجربه شک بحث‌ها و چالش‌ها در محیط‌های دانشگاهی و کلاسی بحث‌ها و چالش‌ها در محیط‌های اجتماعی و خانوادگی موقعیت‌های بحرانی و چالش‌برانگیز زندگی فردی فعالیت‌های علمی و پژوهشی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی
بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری و پرورش فروتنی فکری	تأثیر خانواده و محیط رشد تأثیر فرهنگ اجتماعی و دانشگاهی تجارب اجتماعی و تعاملی تأثیر رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی
پردازش انتقادی و تفکر تأملی	پردازش انتقادی و تفکر تأملی
ارزش‌های محافظت‌شده	ثبات عقیدتی بدون تعصب نقش شناخت و تلاش در شکل‌گیری ارزش‌ها گذار از خودمحوری به خدامحوری

یادگیری مستمر نیز نه تنها با فروتنی فکری مرتبط است، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از آن محسوب می‌شود. فروتنی فکری به این معنا است که فرد به‌طور فعالانه بپذیرد که دانش و فهم او از جهان ناقص و محدود است. این پذیرش، فرد را به سمت یادگیری مستمر سوق می‌دهد و از دام باورهای ثابت و غیرقابل تغییر دور نگه می‌دارد. توانایی تحمل ابهام و نبود قطعیت، از دیگر ابعاد فروتنی فکری

است. این توانایی به فرد اجازه می‌دهد تا در مواجهه با اطلاعات ناقص یا متناقض، به‌جای قضاوت سریع یا تعصب، به‌دنبال درک عمیق‌تر و جامع‌تر باشد. فروتنی فکری همچنین مستلزم پذیرش محدودیت‌های دانش خود است. از منظر فلسفه علم، دانش علمی همیشه در حال تغییر و تکامل است و هیچ نظریه‌ای به‌طور مطلق قطعی نیست. این ایده که علم همیشه در حال تغییر است، مستلزم این است که فرد بداند که دانش او کامل و قطعی نیست و همواره نیاز به یادگیری دارد. فروتنی فکری تنها به دریافت دانش محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل انتقال دانش بدون خودنمایی یا خودبرتری نیز هست. اشتراک دانش، فضایی برای بازخورد و بهبود متقابل ایجاد می‌کند. افراط (پافشاری کورکورانه) یا تقریب (رهاکردن بی‌قید باورها) هر دو نشانه ضعف فکری هستند. فروتنی فکری نیازمند میانه‌روی است؛ نه جزم‌گرایی مطلق، نه بی‌تفاوتی در باورها.

تسهیل‌گرهای فروتنی فکری عواملی هستند که این ویژگی را تقویت کرده و بستری برای پرورش آن فراهم می‌کنند. این تسهیل‌گرها شامل یادگیری مستمر و تمایل به رشد، خودآگاهی، خودانتقادی، حمایت محیطی و اجتماعی، تجارب مثبت و الهام‌بخش، آزادی آکادمیک و اعتماد ارتباطی می‌شوند. این عوامل به فرد کمک می‌کنند تا در مسیر رشد فکری و شخصیتی خود، فروتنی فکری را در خود تقویت کند.

موانعی مانند تعصب و پافشاری بر باورها، ترس از تغییر و نبود تحمل ابهام، فشارهای اجتماعی و محیطی، خودبرتری، هزینه‌های روانی و هویتی تغییر باور، ترس از دست‌دادن روابط، محدودیت آزادی آکادمیک، نبود کنترل هیجانات و حساسیت موضوعی می‌توانند فرآیند فروتنی فکری را دشوار کنند.

فروتنی فکری تأثیرات عمیقی بر رفتار، نگرش و سبک زندگی افراد دارد. این مفهوم نه تنها بر نحوه تفکر و تصمیم‌گیری افراد تأثیر می‌گذارد، بلکه بر روابط اجتماعی، تعاملات علمی و حتی هویت فردی نیز تأثیرگذار است. این فرایند ممکن است با چالش‌های روانی و هویتی همراه باشد، اما در نهایت منجر به رشد شخصیتی و فکری فرد می‌شود.

آشکارسازی فروتنی فکری معمولاً در شرایطی رخ می‌دهد که فرد با اطلاعات یا دیدگاه‌هایی مواجه می‌شود که با باورها یا دانش قبلی او در تضاد است. این موقعیت‌ها شامل بحث‌ها و چالش‌ها در محیط‌های دانشگاهی و کلاسی، محیط‌های اجتماعی و خانوادگی، موقعیت‌های بحرانی و چالش‌برانگیز زندگی فردی، فعالیت‌های علمی و پژوهشی و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌شوند. فروتنی فکری تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله خانواده و محیط رشد، فرهنگ اجتماعی و دانشگاهی و تجارب اجتماعی است. فروتنی فکری مستلزم توانایی بازنگری و بازاندیشی در باورها و عقاید شخصی است. این فرایند بدون وجود پردازش انتقادی (توانایی تحلیل و ارزیابی اطلاعات، استدلال‌ها و باورها به شیوه‌ای منطقی و عینی) و تفکر تأملی (فرایند بازتاب و تأمل در تجربیات و باورها) تحقق نمی‌یابد. این دو مفهوم در کنار هم، پایه‌های اصلی فروتنی فکری را تشکیل می‌دهند.

ازسویی ارزش‌های محافظت‌شده به باورها، عقاید، یا اصولی اشاره دارد که افراد به‌صورت عمیق و پایدار به آنها پایبند هستند و اغلب بخشی از هویت فردی یا فرهنگی را تشکیل می‌دهند؛ ازسوی دیگر فروتنی فکری به معنای شناخت محدودیت‌های دانش خود، احترام به دیدگاه‌های دیگران و آمادگی برای بازبینی باورها در مواجهه با استدلال‌های منطقی است. این دو مفهوم می‌توانند در تعادل با یکدیگر قرار گیرند، به شرطی که فرد از تعصب کورکورانه پرهیز کند و به‌جای آن، براساس شناخت عمیق و تفکر انتقادی عمل کند. مدل مفهومی زیر براساس این نظریه داده‌بنیاد طراحی شده است و فرایند شکل‌گیری و تأثیرات فروتنی فکری را نشان می‌دهد. مدل از چندین بخش اصلی تشکیل شده است که هر یک به دیگری مرتبط هستند و با فلش‌هایی که نشان‌دهنده جهت تأثیر و ارتباط بین اجزا هستند به یکدیگر مرتبط شده‌اند.

فروتنی فکری به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی و فلسفی، هم به‌عنوان یک مفهوم (concept) و هم به‌عنوان یک فرایند (process) قابل بررسی است. فرایند در مدل قبلی شرح داده شد.

به‌عنوان یک مفهوم، با توجه به مفاهیم به‌دست آمده از مصاحبه‌ها فروتنی فکری به مجموعه‌ای از ویژگی‌های شناختی و رفتاری اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد تا محدودیت‌های دانش خود و احتمال دچار شدن به خطا را بپذیرد. از تعصب، خودبرتری و تحمیل باورها پرهیز کند. آماده بازبینی، تغییر و اصلاح در باورهای خود باشد. بتواند ابهام و نبود قطعیت را تحمل کند. از نظر ذهنی

گشودگی و انعطاف‌پذیری فکری داشته باشد. به یادگیری مستمر توجه داشته باشد و بدون چشمداشت و فخرفروشی دانش خود را بازنشر دهد.

جهت ساده‌سازی نظریه و افزایش کارایی تحلیلی و با توجه به کاربرد گسترده مدل‌های سه بعدی در علوم اجتماعی و روان‌شناسی (هیر و همکاران، ۲۰۱۰)، امکان تجمیع این ابعاد و تقلیل آنها به سه بعد براساس اشتراک مفهومی و سازماندهی منطقی مورد بررسی قرار گرفت تا بدون اینکه از دقت مفهومی کاسته شود مدل ساده‌تری ارائه شود.



شکل ۱. مدل مفهومی فرایند فرتنی فکری

بازبودن، گشودگی ذهنی، انعطاف‌پذیری فکری و پرهیز از تعصب و خودبرتربینی همگی حول پذیرش فعال ایده‌ها، تجربه‌ها و دیدگاه‌های جدید بدون پیش‌داوری یا تلاش برای تحمیل باور خود می‌چرخند و می‌توان آنها را در یک بعد جای داد و آن را گشودگی و انعطاف‌پذیری نامید.

تعهد به یادگیری و اشتراک دانش به‌عنوان دومین بعد، شامل توجه به فرایند یادگیری مستمر و اشتراک‌گذاری دانش است. این بعد بر اهمیت رشد مداوم دانش و انتقال فعال آن به دیگران تمرکز دارد. فرد نه‌تنها برای یادگیری مادام‌العمر تلاش می‌کند، بلکه از انباشت دانش برای خود اجتناب کرده و آن را به‌صورت غیررقابتی به اشتراک می‌گذارد تا هم به رشد جمعی کمک کند و هم از ایستایی فکری جلوگیری نماید.

تعادل در باورها و تحمل نبود قطعیت به‌عنوان بعد سوم شامل پرهیز از افراط و تفریط در باورها، تحمل ابهام و نبود قطعیت، پذیرش محدودیت‌های دانش و آمادگی برای بازیابی باورها در نظر گرفته می‌شود. این بعد بر حفظ توازن بین اصالت در باورها و انعطاف در بازنگری آنها استوار است.

براساس سه بعد اصلی فرتنی فکری، می‌توان ۸ حالت را برای افراد شناسایی کرد. این دسته‌بندی براساس ترکیب سطوح بالا و پایین هر بعد ایجاد می‌شود:

افراد دارای فرتنی فکری جامع (گشودگی فکری بالا، تعهد به یادگیری بالا، تعادل در باورها بالا) ذهنی باز دارند، مشتاق یادگیری و متعادل در باورهای خود هستند.

جستجوگران دانش (گشودگی فکری بالا، تعهد به یادگیری بالا، تعادل در باورها پایین) مشتاق یادگیری و پذیرای ایده‌های جدید هستند، اما ممکن است در مواجهه با ابهام یا تضادهای فکری دچار سردرگمی شوند یا نتوانند باورهای خود را به‌درستی تعدیل کنند.

مصلحان فکری (گشودگی فکری بالا، تعهد به یادگیری پایین، تعادل در باورها بالا) ذهنی باز و متعادل دارند، اما تمایلی کمی به یادگیری مستمر یا اشتراک دانش نشان می‌دهند.

روشنفکران منفعل (گشودگی فکری بالا، تعهد به یادگیری پایین، تعادل در باورها پایین) ذهنی باز دارند، اما تمایلی به یادگیری مستمر یا تعدیل باورهای خود نشان نمی‌دهند.

متعصبان دانش‌محور (گشودگی فکری پایین، تعهد به یادگیری بالا، تعادل در باورها بالا) به یادگیری و اشتراک دانش متعهد هستند و باورهای متعادلی دارند، اما در پذیرش ایده‌های جدید یا دیدگاه‌های مخالف مقاومت نشان می‌دهند.

انباشت‌گران دانش (گشودگی فکری پایین، تعهد به یادگیری بالا، تعادل در باورها پایین) به یادگیری علاقه دارند، اما در مواجهه با ابهام یا تضادهای فکری، به جای بازاندیشی، به دفاع از باورهای خود می‌پردازند.

محافظه‌کاران فکری (گشودگی فکری پایین، تعهد به یادگیری پایین، تعادل در باورها بالا) باورهای متعادلی دارند، اما تمایلی به یادگیری یا پذیرش ایده‌های جدید نشان نمی‌دهند.

جزم‌گرایان (گشودگی فکری پایین، تعهد به یادگیری پایین، تعادل در باورها پایین) از نظر ذهنی بسته، بی‌علاقه به یادگیری و متعصب در باورهای خود هستند.

این مدل نه تنها برای درک بهتر افراد مفید است، بلکه می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی و توسعه فردی نیز به کار گرفته شود.



شکل ۲. مدل فضایی (مکعبی) فروتنی فکری

• بحث

این پژوهش با هدف مفهوم‌سازی فروتنی فکری در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی و شناسایی عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده آن، به یافته‌های نوآورانه‌ای دست یافته است. نتایج نشان می‌دهد که فروتنی فکری یک فرایند پویا و چندبعدی است که تحت تأثیر تعامل پیچیده‌ای از عوامل فردی (مانند خودآگاهی و انعطاف‌پذیری شناختی)، بین‌فردی (مانند حمایت محیطی و اعتماد ارتباطی) و فرهنگی (مانند آزادی آکادمیک و جو دانشگاهی) شکل می‌گیرد. این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین مانند مطالعات کرومری مانکوسو و همکاران (۲۰۲۰) و پورتر (۲۰۲۵) همسو است، اما با ارائه مدل سه‌بعدی ارائه شده در این پژوهش (گشودگی فکری، تعهد به یادگیری مستمر و تعادل در باورها) نه تنها نظام‌مندتری تبیین می‌کند. مدل سه‌بعدی ارائه شده در این پژوهش (گشودگی فکری، تعهد به یادگیری مستمر و تعادل در باورها) نه تنها ابعاد شناختی و رفتاری فروتنی فکری را پوشش می‌دهد، بلکه با تعریف آن به‌عنوان یک فرایند پویا، بر نقش محوری پردازش انتقادی و تفکر تأملی تأکید می‌کند. این یافته مکمل نظریه‌های پیشین مانند زاگزبسکی (۱۹۹۶)، است که فضایل فکری را مستلزم بازاندیشی می‌دانند، اما با افزودن لایه‌های عملیاتی (مانند تأثیر فشارهای اجتماعی و محدودیت‌های آکادمیک)، به کاربردپذیری مدل در محیط‌های واقعی می‌افزاید. یکی از نقاط قوت این پژوهش، شناسایی ۸ پروفایل رفتاری براساس ترکیب سطوح مختلف ابعاد فروتنی فکری است.

این دسته‌بندی نه تنها تفاوت‌های فردی را به صورت عینی نشان می‌دهد، بلکه چارچوبی برای طراحی مداخلات آموزشی شخصی‌سازی شده فراهم می‌کند. برای مثال، تقویت «گشودگی فکری» در دانشجویان جستجوگر دانش می‌تواند آنها را به سمت فروتنی فکری جامع سوق دهد. این یافته‌ها با مطالعات اخیر در زمینه روان‌شناسی تربیتی (مانند رفیعی و بنی‌طالبی، ۱۴۰۳) همخوانی دارد که بر اهمیت انعطاف‌پذیری شناختی در یادگیری تأکید می‌کنند؛ علاوه بر این، پژوهش حاضر با بررسی موانع و تسهیلگرها در بافت ایرانی، به ادبیات بین‌فرهنگی فروتنی فکری غنا بخشیده است. این یافته‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی کمک کند تا با ایجاد محیط‌های امن برای گفت‌وگوی انتقادی، زمینه پرورش فروتنی فکری را فراهم کنند.

• نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی فرایند شکل‌گیری، موانع، تسهیل‌گرها و پیامدهای فروتنی فکری در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی، از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده کرد و به یافته‌های عمیق و کاربردی دست یافت. نتایج نشان داد که فروتنی فکری به‌عنوان یک سازه چندبعدی، شامل سه بعد اصلی گشودگی فکری، تعهد به یادگیری مستمر و تعادل در باورها است. این ابعاد در تعامل پویا با یکدیگر، فرایندی را شکل می‌دهند که نه تنها بر رشد فردی تأثیر می‌گذارد، بلکه نقش کلیدی در توسعه روابط علمی و اجتماعی ایفا می‌کند. مدل ارائه‌شده در این پژوهش، فروتنی فکری را به‌عنوان یک فرایند پویا و متأثر از عوامل فردی، محیطی و فرهنگی مفهوم‌سازی می‌کند. از یک سو، خودآگاهی، خودانتقادی و پردازش انتقادی به‌عنوان عوامل درونی و از سوی دیگر، حمایت محیطی، آزادی آکادمیک و تجارب مثبت به‌عنوان عوامل بیرونی، تسهیل‌گرهای اصلی این فرایند شناسایی شدند. در مقابل، موانعی همچون تعصب، ترس از تغییر، فشارهای اجتماعی و محدودیت‌های آکادمیک می‌توانند رشد فروتنی فکری را با چالش مواجه کنند.

یکی از دستاوردهای نوآورانه این پژوهش، ارائه مدل فضایی (مکعبی) فروتنی فکری است که با ترکیب سطوح مختلف ابعاد سه‌گانه، ۸ پروفایل رفتاری را شناسایی می‌کند. این مدل نه تنها تفاوت‌های فردی را به صورت نظام‌مند تبیین می‌کند، بلکه چارچوبی عملی برای طراحی مداخلات آموزشی شخصی‌سازی شده فراهم می‌سازد. برای مثال، تقویت گشودگی فکری در دانشجویان "جستجوگر دانش" یا افزایش تعهد به یادگیری در "مصلحان فکری" می‌تواند آنها را به سمت فروتنی فکری جامع سوق دهد.

پیامدهای فروتنی فکری نیز در این پژوهش به صورت جامع بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که این سازه با توسعه یادگیری، تحول هویتی، تقویت روابط علمی و بازسازی باورها ارتباط دارد. این نتایج بر ضرورت پرورش فروتنی فکری در محیط‌های آموزشی به‌عنوان عاملی کلیدی برای مواجهه مؤثر با چالش‌های فکری و اجتماعی تأکید می‌کند.

در نهایت، این پژوهش با ارائه مدلی یکپارچه و کاربردی، گامی مهم در جهت غنای ادبیات نظری و عملی فروتنی فکری برداشته است. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی، اساتید و دانشجویان کمک کند تا با ایجاد محیط‌های امن برای گفت‌وگوی انتقادی و تشویق به یادگیری مستمر، ایجاد محیط‌های دانشگاهی حمایت‌گر و غیر رقابتی، بستری مناسب برای پرورش فروتنی فکری فراهم کنند. این امر نه تنها به رشد فردی و علمی دانشجویان منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به پیشرفت جمعی و توسعه جامعه دانش‌بنیان کمک شایانی نماید.

• تعارض منافع

تعارض منافی بین نویسندگان وجود ندارد.

• تقدیر و تشکر

نویسندگان از کلیه دانشجویانی که در مصاحبه شرکت کردند و پاسخگوی سوالات بودند کمال تشکر را دارند.

• منابع

Alfano, M., Iurino, K., Stey, P., Robinson, B., Christen, M., Yu, F., & Lapsley, D. (2017). Development and validation of a multi-dimensional measure of intellectual humility. *PloS one*, 12(8), e0182950. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0182950>

- Bak, W., & Kutnik, J. (2021). Domains of intellectual humility: Self-esteem and narcissism as independent predictors. *Personality and Individual Differences, 177*, 110815. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2021.110815>
- Barrett, J. L. (2017). Intellectual humility. *The Journal of Positive Psychology, 12*(1), 1-2. <https://doi.org/10.1080/17439760.2016.1167945>
- Bradley, E. H., Curry, L. A., & Devers, K. J. (2007). Qualitative data analysis for health services research: developing taxonomy, themes, and theory. *Health services research, 42*(4), 1758-1772. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6773.2006.00684.x>
- Conlon, C., Carney, G., Timonen, V., & Scharf, T. (2015). Emergent reconstruction in grounded theory: learning from team-based interview research. *Qualitative Research, 15*(1), 39-56. <https://doi.org/10.1177/1468794113495038>
- Deffler, S. A., Leary, M. R., & Hoyle, R. H. (2016). Knowing what you know: Intellectual humility and judgments of recognition memory. *Personality and Individual Differences, 96*, 255-259. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.03.016>
- DeVries, J. M., Orona, G. A., & Arum, R. (2025). Student and teacher intellectual humility at a diverse research university: the role of academic, demographic, and behavioral metrics. *Studies in Higher Education, 1-18*. <https://doi.org/10.1080/03075079.2025.2472921>
- Finkel, E. J., Bail, C. A., Cikara, M., Ditto, P. H., Iyengar, S., Klar, S., ... & Druckman, J. N. (2020). Political sectarianism in America. *Science, 370*(6516), 533-536. DOI: 10.1126/science.abe1715
- Green, J., & Thorogood, N. (2018). Qualitative methods for health research.
- Fischer, H., Kause, A., & Huff, M. (2025). Intellectual humility links to metacognitive ability. *Personality and Individual Differences, 238*, 113028. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2024.113028>
- Gregg, A. P., & Mahadevan, N. (2014). Intellectual arrogance and intellectual humility: An evolutionary-epistemological account. *Journal of Psychology and Theology, 42*(1), 7-18. <https://doi.org/10.1177/009164711404200102>
- Hanna, P. (2012). Using internet technologies (such as Skype) as a research medium: A research note. *Qualitative research, 12*(2), 239-242. <https://doi.org/10.1177/1468794111426607>
- Hair, J. F., Black, W. C., & Babin, B. j., & Anderson, RE (2010). Multivariate data analysis. *Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall. Multivariate Data Analysis, 23*(5), 572-586.
- Jervis, R. (2017). *Perception and misperception in international politics: new edition*. Princeton University Press.
- Gunn, H., Sheff, N., Johnson, C. R., & Lynch, M. P. (2017). Intellectual Humility. <https://philpapers.org/rec/GUNIH>
- Knott, E., Rao, A. H., Summers, K., & Teeger, C. (2022). Interviews in the social sciences. *Nature Reviews Methods Primers, 2*(1), 73. <https://www.nature.com/articles/s43586-022-00150-6>
- Krumrei-Mancuso, E. J., & Rouse, S. V. (2016). The development and validation of the comprehensive intellectual humility scale. *Journal of Personality Assessment, 98*(2), 209-221. <https://doi.org/10.1080/00223891.2015.1068174>
- Krumrei-Mancuso, E. J., Haggard, M. C., LaBouff, J. P., & Rowatt, W. C. (2020). Links between intellectual humility and acquiring knowledge. *The Journal of Positive Psychology, 15*(2), 155-170. <https://doi.org/10.1080/17439760.2019.1579359>
- Krumrei-Mancuso, E. J., Pärnamets, P., Bland, S., Astola, M., Cichocka, A., de Ridder, J & Van Bavel, J. J. (2024). Toward an understanding of collective intellectual humility. *Trends in Cognitive Sciences*. [https://www.cell.com/trends/cognitive-sciences/fulltext/S1364-6613\(24\)00228-6](https://www.cell.com/trends/cognitive-sciences/fulltext/S1364-6613(24)00228-6)
- Koetke, J., Schumann, K., & Porter, T. (2022). Intellectual humility predicts scrutiny of COVID-19 misinformation. *Social Psychological and Personality Science, 13*(1), 277-284. <https://doi.org/10.1177/1948550620988242>
- Leary, M. R., Diebels, K. J., Davisson, E. K., Jongman-Sereno, K. P., Isherwood, J. C., Raimi, K. T., ... & Hoyle, R. H. (2017). Cognitive and interpersonal features of intellectual humility. *Personality and Social Psychology Bulletin, 43*(6), 793-813. <https://doi.org/10.1177/0146167217697695>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. sage.
- Porter, T., & Schumann, K. (2018). Intellectual humility and openness to the opposing view. *Self and Identity, 17*(2), 139-162. <https://doi.org/10.1080/15298868.2017.1361861>
- Porter, T., Schumann, K., Selmezy, D., & Trzesniewski, K. (2020). Intellectual humility predicts mastery behaviors when learning. *Learning and Individual Differences, 80*, 101888. <https://doi.org/10.1016/j.lindif.2020.101888>
- Porter, T., Leary, M. R., & Cimpian, A. (2024). Teachers' intellectual humility benefits adolescents' interest and learning. *Developmental psychology*. [10.1037/dev0001843](https://doi.org/10.1037/dev0001843)
- Porter, T. (2025). Intellectual humility: On recognizing our limits. In BERTRAM. GAWRONSKI (Ed.), *Advances in Experimental Social Psychology* (pp. 135-179). (Advances in Experimental Social Psychology; Vol. 71). Academic Press Inc. <https://doi.org/10.1016/bs.aesp.2024.10.005>
- Priest, M. (2017). Intellectual humility: An interpersonal theory. *Ergo, an Open Access Journal of Philosophy, 4*. <https://doi.org/10.3998/ergo.12405314.0004.016>
- Shenton, A. K. (2004). Strategies for ensuring trustworthiness in qualitative research projects. *Education for information, 22*(2), 63-75. <https://doi.org/10.3233/EFI-2004-22201>
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research* (Vol. 15). Newbury Park, CA: sage. <https://doi.org/10.1111/phpr.12228>
- Worthington Jr, E. L., Davis, D. E., & Hook, J. N. (2016). Introduction: Context, overview, and guiding questions. In *Handbook of Humility* (pp. 17-32). Routledge.
- Zagzebski, L. T. (1996). *Virtues of the mind: An inquiry into the nature of virtue and the ethical foundations of knowledge*. Cambridge University Press.